

The Interplay between the Legislative Power of States with Foreign Investors Legitimate Expectations

(Type of Paper: Research Article)

Arash Behzadi Parsi¹, Seyed Jamal Seifi^{2*}

Abstract

The power of States to alter their laws and regulations in a way that no harm is inflicted on foreign investor's rights, has always been one of the challenging issues under international investment law. On the one hand, the foreign investor expects that the laws and regulations of the host State remain unchanged in the course of his investment, but on the other, the efficient administration of society requires the amendment of laws and regulations based on the society's ruling circumstances. The interplay between the two above-mentioned trends, is subordinate to various factors. Hence, this article deals with the question that what role, the legitimate expectations of an investor, play with regard to the consistency of the laws and regulations of States. Applying analytical and descriptive method and by examining treaties and the awards rendered by investment arbitral tribunals, attempt is made to demonstrate that the legitimate expectations of investor may have a direct impact upon the host State's legislation discretion and entitles the investor to certain rights.

Keywords

Power of Legislation, Investors Rights, Fair & Equitable Treatment, Stabilization Clause, Legitimate Expectations.

-
1. Ph.D in public international law, Department of public & international law, faculty of divinity, political science and law, Science and Research Branch Islamic Azad University, Tehran, Iran.
Email: arash.behzadi@yahoo.com
 2. Member of Iran- United States Claims Tribunal, Associate Professor National University, Tehran, Iran, Academic tenure holding visiting chair at Tilburg University, Tilburg, Netherlands (Corresponding Author). Email: sjseifi@dpimail.net
- Received: December 29, 2018 - Accepted: September 23, 2019



This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

رابطه صلاحیت قانون گذاری دولت ها با انتظارات مشروع سرمایه گذاران خارجی در موافقت نامه های بین المللی

(نوع مقاله: علمی - پژوهشی)

آرش بهزادی پاریسی^۱، سید جمال سیفی^{۲*}

چکیده

اختیار دولت ها در تغییر قوانین و مقررات، به نحوی که به حقوق سرمایه گذار خارجی آسیب وارد نکند، همواره از مسائل چالش برانگیز حقوق بین الملل سرمایه گذاری بوده است. از یک طرف، سرمایه گذار خارجی انتظار دارد که در طول سرمایه گذاری اش قوانین و مقررات دولت میزبان تغییر نکند، از طرف دیگر، لازمه اداره کردن مطلوب جامعه تغییر قوانین و مقررات بنابر اوضاع و احوال و مقتضیات حاکم بر جامعه است. تقابل میان این دو، تابع عوامل مختلفی است. از این رو این پرسش مطرح می شود که انتظار مشروع سرمایه گذار در ثبات قوانین و مقررات دولت ها در زمان سرمایه گذاری چه نقشی ایفا می کند. با روش تحلیلی و توصیفی تلاش می شود که از طریق مرور معاهدات و آرای صادره در دیوان های داوری سرمایه گذاری نشان داده شود که انتظار مشروع سرمایه گذار می تواند در اختیار قانون گذاری دولت میزبان تأثیر مستقیمی داشته باشد و سرمایه گذار را از حقوقی بهره مند کند.

کلیدواژگان

اختیارات قانون گذاری، انتظارات مشروع، حقوق سرمایه گذاران، رفتار منصفانه و عادلانه، شرط ثبات.

۱. دانش آموخته دکتری حقوق بین الملل عمومی، گروه حقوق عمومی و بین الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. Email: arash.behzadi@yahoo.com
۲. قاضی دیوان دعوایی ایران - ایالات متحده، دانشیار دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران، استاد ممتاز میهمان دانشگاه تیلبورگ، هلند (نویسنده مسئول). Email: sjseifi@dpimail.net

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۰۸ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۰۱

مقدمه

حمایت از سرمایه‌گذار خارجی، همواره از اهداف اصلی و اولیة حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری در قبال اعمال دولت‌ها بوده است. این حمایت در مواردی از طریق به رسمیت شناختن خواسته‌های سرمایه‌گذاران خارجی در دیوان‌های داوری سرمایه‌گذاری بین‌المللی محقق شده است که از جمله این خواسته‌ها که امروزه نقش پررنگ‌تری در روابط میان دولت – سرمایه‌گذار ایفا می‌کند، می‌توان حمایت از انتظارات مشروع سرمایه‌گذاران را نام برد. شناخت و اعتبار انتظارات مشروع سرمایه‌گذاران تضمینی بر کاهش ریسک سرمایه‌گذاری تاجران و فعالان عرصه سرمایه‌گذاری خواهد بود. به عبارت دیگر، باید نقطه‌امیدی برای سرمایه‌گذاران در نظر گرفت، تا آنها برای شرکت در امور تجاری یک کشور تمایل داشته باشند. در این باره، اگر اختیارات انتظامی^۱ و قانون‌گذاری مقامات داخلی به‌حدی افزایش یابد که رنگ‌وبوی خودسری بگیرد یا قوانین به‌صورت غیرمنتظره و پی‌درپی تغییر کنند، بی‌تردید بخش بزرگی از سرمایه‌گذاران از سرمایه‌گذاری در آن کشور خارجی مأیوس می‌شوند و صرف‌نظر می‌کنند و به کشور دیگری نقل مکان خواهند کرد.

در صورت حمایت از انتظارات مشروع، می‌توان از برخی اقدامات یکسویه دولت‌ها از جمله تغییر قوانین و مقررات، که از نگاهی خلاف حقوق مکتسبه سرمایه‌گذار یا حتی در یک معنای وسیع عرف تجاری باشد، جلوگیری کرد و به سرمایه‌گذاران اطمینان داد که سرمایه‌گذاری آنها در کشور ثالث با کمترین خطر از جانب اقدامات یکجانبه دولت‌ها که به زیان سرمایه‌گذار است، روبه‌روست. در آن روی سکه، اداره کشور مستلزم آن است که دولت‌ها در هر زمان که صلاح می‌دانند، بتوانند قوانین و مقررات داخلی خود را تغییر دهند یا اختیارات انتظامی خود را به اجرا گذارند. اصولاً تغییر قوانین و مقررات امر کاملاً طبیعی است که با تکامل جامعه نیاز به تغییر در قوانین و مقررات و اصلاح آنها احساس می‌شود (سیفی، ۱۳۹۳: ۱۴۰). طبیعتاً هیچ سرمایه‌گذاری نمی‌تواند انتظار داشته باشد که اوضاع و احوال حاکم در زمان سرمایه‌گذاری بدون تغییر بماند. دولت میزبان باید بتواند موضوع‌های داخلی مربوط به نظم عمومی کشور خود را مدیریت کند و هر جا و هر زمان که اراده کند، بتواند قوانین و مقررات کشورش را تغییر دهد یا اصلاح یا نسخ کند. این اصل پذیرفته‌شده‌ای است که سرمایه‌گذار در زمان سرمایه‌گذاری باید در مورد قوانین محلی آگاهی داشته باشد.^۲ با وجود این، سؤال موردنظر آن است که تا چه اندازه‌ای سرمایه‌گذار به‌طور مشروع محق است که انتظار داشته باشد که یک قانون یا مقررات پس از سرمایه‌گذاری او بدون تغییر باقی بماند.

1. Police Power

۲. بدان معنی که او نمی‌تواند بعداً شکایتی مطرح کند که مثلاً چرا آن قانون معین بر سرمایه‌گذاری‌اش اعمال می‌شود.

با توجه به آنچه گفته شد، هدف این تحقیق ارزیابی و تحلیل معیارها و شرایط اعمال قاعده انتظارات مشروع سرمایه‌گذار خارجی در مواجهه با تغییر چارچوب قوانین و مقررات دولت میزبان در پرتو تحولات ناشی از آرای صادره داورى سرمایه‌گذاری است.

برای ورود به بحث بررسی دو مورد لازم است: ابتدا، باید تعریف و قلمرو اعمال انتظارات مشروع سرمایه‌گذاران خارجی مشخص شود (بخش اول)؛ سپس، به مواردی که کشورها از دید دیوان‌های داورى بین‌المللی مجاز به تغییر چارچوب قوانین و مقررات داخلی خود هستند، اشاره و شرایط آن تغییر بیان شود (بخش دوم)؛ آنگاه با جستاری اوضاع و احوال خاص هر دولت که موجب افزایش یا کاهش تغییرات در چارچوب قوانین و مقررات خواهد شد، بررسی می‌شود تا بتوان مسئله اختیار دولت‌ها را در تغییر چارچوب قوانین و مقررات با قاعده انتظارات مشروع سرمایه‌گذاران هنگام سرمایه‌گذاری بررسی کرد و تطبیق داد؛ با این فرض که استاندارد رفتار منصفانه و عادلانه می‌تواند مسیر دستیابی به انتظار مشروع سرمایه‌گذاران را مبنی بر دائمی بودن چارچوب قوانین و مقررات داخلی کشور میزبان هموار کند.

شناخت انتظارات مشروع سرمایه‌گذاران

شناسایی امور قانونی ساده‌تر از شناسایی معقول بودن امور است. معقول انتظار دارای معانی فراوانی است. این مفهوم در نظام حقوق بین‌الملل همواره در حال توسعه و تحول است. توسعه آن گاهی به علت فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی تابعان حقوق بین‌الملل است و گاهی از فعالیت‌های دانشکده‌های حقوق نشأت می‌گیرد که هر یک از آنها جنبه مختلفی از این مفهوم را توصیف می‌کنند. بنابراین طبیعی است که یک نویسنده، در متون مختلف با بار معانی متفاوتی از این مفهوم بهره‌برد و به همین علت، ارائه تعریف واحد از آن کاری دشوار است. براساس یک بررسی محیطی بیشترین کاربرد مفهوم انتظارات مشروع در حقوق، برای بیان مطالبه خواسته‌های ناشی از حقوق سیاسی، برقراری عدالت طبیعی، زمامداری بهینه، و حقوق سرمایه‌گذاران است.

۱. تعریف انتظارات مشروع سرمایه‌گذاران

شناخت مفهوم انتظارات مشروع و بررسی مبانی و اساس شکل‌گیری مفهوم انتظارات مشروع در درک بهتر موضوع مفید است. در این باره، دیوان‌های داورى معمولاً به دور از تحقیق در خصوص ریشه‌ها و مبانی حقوقی این قاعده که توجیه‌کننده کاربرد این مفهوم است، نوعاً به این موضوع می‌پردازند که آیا نقض انتظارات مشروع که درباره نقض یک معاهده سرمایه‌گذاری است، با استناد به قاعده رفتار عادلانه و منصفانه مسئولیت دولت میزبان را به بار می‌آورد یا خیر.

پیش از بررسی مبانی توجیه‌پذیری حمایت از مفهوم انتظارات مشروع، ابتدا باید تعریف و سپس حوزه اعمال آن مشخص شود.

در یک نظر کلی، علت توجه به حمایت از مفهوم انتظارات مشروع ضرورت وجود میزانی از قطعیت حقوقی^۱ است تا فعالیت‌های اقتصادی تاجران با اطمینان بیشتری انجام پذیرد و توسعه یابد. به عبارت دیگر، باید نقطه امید برای سرمایه‌گذاران در نظر گرفت تا به شرکت در امور تجاری یک کشور تمایل داشته باشند. همان‌طور که اگر اختیارات قانونی مقامات داخلی به حدی افزایش یابد که رنگ و بوی خودسری بگیرد یا به صورت تصادفی و پی‌درپی چارچوب قوانین داخلی عوض شود، بی‌شک بخش بزرگی از سرمایه‌گذاران از سرمایه‌گذاری در آن کشور صرف‌نظر کرده و به کشور دیگری نقل مکان خواهند کرد. به همین علت انتظارات مشروع در کنار دیگر قوانین حاکم داخلی اعمال می‌شود تا از سرمایه‌گذاران خارجی در مقابل اعمال غیرمنطقی و پیش‌بینی‌ناپذیر حمایت کند تا مقامات دولتی نتوانند براساس اصل صلاحیت، قوانین و دستورالعمل‌های جدیدی را علیه سرمایه‌گذاران تصویب کنند.

براساس موازین انتظارات مشروع اگر دولتی اقدامی انجام دهد، برای مثال مقرره‌ای تصویب کند که خلاف حقوق اعطایی پیشین به سرمایه‌گذار یا حتی در معنای وسیع عرف تجاری باشد، در واقع این تصمیم دولت نباید درباره سرمایه‌گذار اجرایی شود. در عمل، انتظارات مشروع کمک می‌کند که از تأثیر بازدارنده اعمال غیرقطعی و بازدارنده دولت در برابر سرمایه‌گذاران خارجی جلوگیری شود. به بیان دیگر، شرکت‌های تجاری باید در مقابل اقدامات غیرمنطقی و پیش‌بینی‌ناپذیر دولت میزبان که عامل افزایش هزینه‌های اجرای پروژه به سبب تصویب قوانین و مقرره‌های جدید است، حمایت شوند.

تاکنون هیچ تحلیلی که به صورت دقیق انتظارات مشروع سرمایه‌گذاران خارجی را از دولت میزبان تعریف کرده باشد، مشاهده نشده است (یا حداقل نگارنده موردی را یافت نکرده است). به همین علت، اصل انتظارات مشروع بیشتر از اظهارات قضایی تشکیل شده است تا تعریف معین ارائه شده در کنوانسیون‌ها یا مراجع توسعه حقوق بین‌الملل مانند کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل. بنابراین دست کم می‌توان گفت که رویه قضایی منبع تعریف مفهوم انتظارات مشروع است که البته اشکال رویه قضایی در اینجاست که در پاره‌ای از موارد شفافیت لازم را ندارد (Barrett, 2001: 191).

مفسران و تحلیل‌گران حقوق اتحادیه اروپا تلاش‌هایی برای تعریف این مفهوم انجام داده‌اند که نظریات آنها بیشتر حول محور معافیت‌های اعمال قانون و بی‌توجهی به قوانین اساسی بدون بررسی اعتبار آنها برای حمایت از انتظارات مشروع است (Barrett, 2001: 195).

به‌طور کلی، می‌توان گفت به موجب قاعده انتظارات مشروع چنانچه رفتار دولت‌ها موجب نتایج غیرمعقول و زیانبار در مورد سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذاران خارجی در کشور میزبان شود، می‌تواند به استناد استاندارد رفتار منصفانه و عادلانه نقض حقوق سرمایه‌گذار تلقی شود. اولین دیوان داوری که به‌صراحت از مفهوم انتظارات مشروع استفاده کرد، دیوان داوری تکمد بود که رعایت شرط رفتار منصفانه و عادلانه را در احترام به انتظارات اساسی سرمایه‌گذاران، در زمان سرمایه‌گذاری، ضروری دانست (ICSID, 2003: para 154). این رأی دامنه وسیعی از کاربرد انتظارات مشروع را از طریق رفتار منصفانه و عادلانه در حقوق سرمایه‌گذاری در نظر گرفته است. براساس رویه‌های بعدی حمایت از انتظارات مشروع به‌عنوان عنصر غالب استاندارد رفتار منصفانه و عادلانه معرفی شده است (ICSID, 2006: para 302). سرمایه‌گذار از دولت میزبان انتظار دارد که در مورد چارچوب قوانین و مقررات آن کشور با او به‌صورت شفاف رفتار شود. انتظارات مشروع از این دریچه به رفتار دولت میزبان می‌نگرد که رفتار او همخوان با معاهدات سرمایه‌گذاری و عبارات و شرایطی باشد که سرمایه‌گذار بر مبنای آن اقدام به سرمایه‌گذاری کرده است.

۲. قلمرو اعمال انتظارات مشروع سرمایه‌گذاران

انتظارات مشروع اغلب از مصادیق غالب استاندارد رفتار منصفانه و عادلانه در داوری‌های سرمایه‌گذاری است. قاعده رفتار منصفانه و عادلانه قاعده‌ای نسبتاً کلی و دربردارنده عناصر حمایتی گوناگونی در درون خود است؛ مثل حمایت از حداقل استاندارد رفتار، حمایت از انتظارات مشروع، نبود تبعیض، شفافیت^۱، اجبار، و تهدید. اصل رفتار منصفانه و عادلانه تضمین‌کننده حکومت قانون است که از طریق آن از سوءاستفاده از اختیارات دولتی با حمایت اصل حسن نیت و تبلور آن در قواعد زمامداری به‌هینة دولت‌ها و اصول کلی حقوق‌جوگیری می‌کند (Walde, 2005: para 13). با وجود این، رسیدن به همه این آمال از طریق قاعده رفتار منصفانه و عادلانه به‌صورت کلی امکان‌پذیر نیست. به‌عبارت دیگر، مفهوم رفتار منصفانه و عادلانه باید از طریق رویه قضایی و با استناد به اصول حقوق بین‌الملل از حالت کلی بیرون بیاید و اثربخش شود.

به موجب قاعده رفتار منصفانه و عادلانه دولت میزبان متعهد است در چارچوب قوانین و مقررات از پیش تعیین‌شده با سرمایه‌گذار رفتار کند. مهم‌ترین وظیفه قاعده رفتار منصفانه و عادلانه آن است که انتظارات مشروع سرمایه‌گذاران را از طریق ایجاد چارچوب حقوقی شفاف و تزلزل‌ناپذیر فراهم کند. دیوان‌های داوری برای بررسی اینکه آیا رفتار منصفانه و عادلانه نقض شده است یا نه و برای بیان مفهوم قاعده رفتار منصفانه و عادلانه بیش از دیگر مفاهیم از

1. Transparency

عباراتی همچون معقول و انتظارات مشروع استفاده می‌کنند. برای مثال، در پرونده انرون دیوان تأیید کرد که بخش مهم چارچوب رفتار منصفانه و عادلانه وجود ثبات برای سرمایه‌گذاری به‌همراه حمایت از انتظارات مشروع است (ICSID, 2007: para 260). این دیوان در ادامه بیان داشت که ممکن است خواننده با اتکا به چارچوب قوانین و مقررات موجود یک کشور و با این تفکر که بدون تغییر باقی می‌ماند، سرمایه‌گذاری انجام دهد (ICSID, 2007: para, 265). با توجه به تغییر چارچوب قوانین و مقررات توسط دولت آرژانتین، آن کشور مرتکب قصور در فراهم آوردن چارچوب قوانین ثابت شده است، بنابراین عمل او ناعادلانه و غیرمنصفانه تلقی می‌شود (ICSID, 2007: para 268).

از آنجا که استاندارد رفتار منصفانه و عادلانه وظیفه دارد تا رفتارهای نامناسب و بی‌اعتبار دولت‌ها را که موجب نقض این استاندارد می‌شود، تمییز دهد، مفاهیمی چون نقض انتظارات مشروع، استنکاف از احقاق حق و دادرسی عادلانه، تبعیض آشکار، تصمیمات خودسرانه، و رفتار سوءاستفاده‌گرانه دولت‌ها از مصادیق نقض استاندارد رفتار منصفانه و عادلانه در رویه داور و قضایی شمرده می‌شوند. انتظارات مشروع سرمایه‌گذاران به سه شکل متبلور می‌شود: اول، به‌منزله قاعده‌ای است که از انتظارات سرمایه‌گذاری حمایت می‌کند که بنای سرمایه‌اش را براساس اظهارات و تعهدات و رفتار دولت میزبان قرار داده است (Newcombe *et al.*, 2009: 279)؛ دوم، این قاعده بر ثبات نظام حقوقی دولت میزبان توجه دارد که شامل شفافیت و همیشگی بودن و بدون تغییر بودن تصمیمات متخذه دولت میزبان است (Tecmed v Mexico, 2003: para 123, 154)؛ و سوم، بر نحوه رفتار طرفین یک قرارداد حاکمیت دارد، به‌خصوص اینکه در زمان اجرای قرارداد، باید براساس قاعده رفتار منصفانه و عادلانه عمل شود (UNCITRAL, 2006: para 301).

در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری رابطه میان انتظارات مشروع سرمایه‌گذاران و صلاحیت قانون‌گذاری دولت میزبان براساس دو تفسیر مورد بررسی و توجه قرار گرفته است؛ براساس اولین تفسیر به‌منظور اطمینان بخشیدن به اینکه انتظارات مشروع سرمایه‌گذاران مورد خدشه قرار نگیرد، نباید چارچوب قوانین و مقررات دولت میزبان به‌طور مطلق تغییر کند که در نتیجه، هر گونه تغییر در قوانین و مقررات می‌تواند به نقض انتظارات مشروع سرمایه‌گذاران منجر شود.^۱ اما در تفسیر دوم که رویه متعادلی دارد، استدلال شده است که حمایت از انتظارات مشروع نمی‌تواند بدون شرط و همیشه پایدار باشد (UNCITRAL, 2006: para 30)، زیرا رفتار

۱. دیوان‌های داور در پرونده‌های شرکت آزریکس به طرفیت آرژانتین (ICSID, 2006: paras 274-284) بی‌جی به طرفیت جمهوری چک (ICSID, 2007: paras 175-176)، سی‌ام‌اس (ICSID, 2005, paras 280)، بوریکو (ICSID, 2005: paras 231-5)، و اکسیدنتال (ICSID, 2004: para 191) تا حدودی از این نظریه تبعیت کرده‌اند.

منصفانه و عادلانه کارکردی مشابه با شرط ثبات ندارد (ICSID, 2009: para 218). در نتیجه، این رویکرد در نظر دارد تا میان احساس نیاز به منعطف بودن قوانین و اتکای مشروع بر حمایت از اعمال سرمایه‌گذار خارجی تعادل ایجاد کند.

تفسیر دوم، ضرورتاً بدان معنا نیست که همه ادعاهای مرتبط با نقض انتظارات مشروع را انکار کند. برای مثال در قضیه سالوکا (ICSID, 2006: paras 309, 407, 417-419) و تکمد (ICSID, 2003: paras 154-174) هر دو دیوان با وجود تلاش برای برقراری تعادل میان صلاحیت قانون‌گذاری دولت میزبان و انتظارات مشروع، نقض استانداردهای قاعده رفتار منصفانه و عادلانه را احراز کردند. براساس این رویکرد اگر در بررسی‌های انجام‌گرفته مشخص شود که نگرانی‌های دولت میزبان که به تغییر چارچوب قوانین آن کشور منجر شده است، مشروع و به حق باشد، نمی‌توان آن کشور را به تغییر چارچوب قوانین کشورش متهم کرد (UNCITRAL, 2001: Paras 300-304). براساس همین استدلال در پرونده ایی دی اف آمده است که اگر منظور از حمایت از انتظارات مشروع ثبات چارچوب تجاری و قوانین یک کشور باشد، این انتظار صحیح نیست، مگر آنکه شرایط کلی حاکم بر نظام تجاری و نظام حقوقی دولت میزبان مدنظر باشد (ICSID, 2009: paras 217).

۳. ثبات قوانین و مقررات دولت میزبان: انتظار سرمایه‌گذاران در زمان فعالیت

در زمانی که کشورهای در حال توسعه برای رشد اقتصادی کشورشان، به‌خصوص در بخش‌های مهمی همچون صنعت نفت و گاز، نیازمند سرمایه‌گذاری گسترده صاحبان تکنولوژی خارجی بودند، نیاز به جذب سرمایه‌گذار خارجی بیش از پیش احساس شد، اما به‌علت ملی‌سازی‌ها و مصادره اموال در پی تغییر حکومت‌ها و تغییر قوانین در دهه ۷۰ میلادی میل سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری در این کشورها به‌شدت کاهش یافته بود. اغلب کشورهای در حال توسعه برای جذب سرمایه‌گذاران و اطمینان بخشیدن به آنها در این باره که وضعیت جاری تغییر پیدا نخواهد کرد و اموال و سرمایه آنها مشمول قاعده مصادره اموال نخواهد شد، ابتدا شروط فورس‌ماژور را در قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی درج کردند که میزان ریسک سیاسی ناشی از توقف فعالیت را کاهش دهد. اما از آنجا که فورس‌ماژور فقط حوادث ناشی از بلایای طبیعی، اعتصابات و انقلابات را در برمی‌گرفت و در آن به‌ندرت به اختیار دولت‌ها در تغییر قوانین و فسخ یکطرفه قراردادها اشاره شده بود، ضرورت درج شروط ثبات در معاهدات سرمایه‌گذاری برای حمایت از سرمایه‌گذاران خارجی اهمیت ویژه‌ای پیدا کرد. اکنون بسیاری از معاهدات سرمایه‌گذاری دربردارنده شروط ثبات‌اند؛ به موجب این شرط، تغییر قوانین و مقررات در طول سرمایه‌گذاری و در خصوص پروژه متوقف می‌شود. شروط ثبات استاندارد حمایتی محسوب می‌شود که هدف اصلی و اولیه آن

حمایت از سرمایه‌گذار خارجی در برابر تغییر قوانین داخلی کشور میزبان و تحمیل شرایط جدید از سوی مقامات اداری یک کشور در زمان اجرای قرارداد است (Iran-US CTR, 1987: para 239). هدف از شروط ثبات آن است که از قانون‌گذاری جدید یا تغییر قوانین و مقررات در مورد پروژه در حال اجرا یا سرمایه‌گذاری جلوگیری کند یا اگر به‌علت شرایطی، قانونی بر سرمایه‌گذاری حاکم شد، سرمایه‌گذار بتواند هزینه‌های ناشی از آن قانون را در قالب جبران خسارت دریافت کند. هرچند همه قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی دربرگیرنده شروط ثبات نیستند، معمولاً در قراردادهای بلندمدت سرمایه‌گذاری در زمینه صنعت، معدن و خدمات زیرساختی مانند راه‌سازی، حمل‌ونقل، محیط زیست، منابع آب و سازه‌های هیدرولیکی شروط ثبات درج می‌شود. قوانین داخلی مرتبط با نظام مالیاتی، به‌خصوص تعرفه‌های مالیاتی، نبود تبعیض، قوانین و بخشنامه‌های مرتبط با ارزش خارجی و نحوه پرداخت، معمولاً در شروط ثبات مورد اشاره قرار می‌گیرند.^۱

۴. ثبات چارچوب قوانین و مقررات از طریق توسل به قاعده انتظارات مشروع

دیوان‌های داوری اقدام دولت میزبان را در تغییر چارچوب قوانین و مقررات یا برهم زدن نظم موجود در زمان سرمایه‌گذاری با ملاحظه انتظارات مشروع سرمایه‌گذاران، در دو وضعیت مورد توجه قرار داده‌اند؛ زمانی که قرارداد یا شبه‌قراردادی وجود داشته باشد یا اظهارات یکجانبه تعهدآوری از جانب دولت میزبان بیان شود. اینها مواردی است که سرمایه‌گذار خارجی انتظار دارد تا حقوق او به موجب قاعده انتظارات مشروع مورد توجه، پذیرش و حمایت قرار گیرد.

۴.۱. توافق‌های قراردادی یا شبه‌قراردادی

قراردادها یکی از روش‌های سنتی و کلاسیک در نظام‌های حقوقی است که در ایجاد ثبات حقوقی و پیش‌بینی انتظارات مؤثر است (Dolzer et al., 2012: 140).^۲ در تعریف کلی، انتظارات مشروع قراردادی عبارت است از انتظار سرمایه‌گذار از دولت میزبان مبنی بر حفظ شرایط توافق‌شده در طول اجرای قرارداد. در پرونده ام تی دی به طرفیت شیلی سرمایه‌گذار با استناد به قرارداد از نماینده بخش

۱. برای مشاهده نمونه‌ای از محتوای شروط ثبات ر.ک:

PD Cameron, International Energy Investment Law, Oxford University, 2010, P.248-249

۲. شایان توضیح است که قراردادها در پاره‌ای موارد خود دربردارنده شروط ثبات‌اند که به‌منزله ابزار کمکی می‌تواند به برخی از انتظارات سرمایه‌گذاران تعمیم یابد. در این مقاله به مواردی پرداخته شده است که انتظارات مشروع سرمایه‌گذاران خارج از توافق کتبی طرفین ایجاد شده باشد.

سرمایه‌گذاری خارجی دولت شیلی خواسته بود تا امنیت اجرای قرارداد سرمایه‌گذاری را در طول اجرای پروژه توسعه یک روستا تأمین کند. سرمایه‌گذار مدعی بود در این قرارداد سرمایه‌گذاری همراه با دیگر عوامل، این انتظار را به وجود آورده است که این پروژه با موفقیت به پایان برسد. این در حالی بود که مقامات دولت شیلی با استناد به قوانین جاری آن کشور مجوزهای فعالیت مورد نیاز را برای پیشرفت فیزیکی کار صادر نکردند. در این باره دیوان به این نتیجه رسید که:

«دولت میزبان از یک طرف، با لازم الاجرا دانستن قرارداد و از طرف دیگر، با صادر نکردن مجوزهای لازم برای انجام دادن کار انتظارات مشروع سرمایه‌گذار را بی‌اثر کرده است و این عمل دولت اقدامی ناعادلانه و غیرمنصفانه تلقی می‌شود» (ICSID, 2008: para 256).

در مورد دیگر، دیوان در پرونده شرکت نفت اکسیدنتال به طرفیت اکوادور به مقدمه معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری استناد کرد تا نشان دهد که ثبات قانونی و تجاری شرط اساسی رفتار منصفانه و عادلانه محسوب می‌شود (ICSID: 2004: para 183) و اینکه تأکیدی وجود دارد که یک دولت نمی‌تواند فضای تجاری یا قانونی را در جایی که سرمایه‌گذاری صورت پذیرفته است، تغییر دهد (ICSID, 2004: para 191).

در اغلب پرونده‌های به طرفیت دولت آرژانتین در ایکسید به مسئله ضرورت ثبات قوانین و مقررات دولت میزبان اشاره شده است؛ در برخی از این پرونده‌ها، سرمایه‌گذاران، پروانه‌های بهره‌برداری صادره از جانب دولت میزبان را به منزله قوانین و مقررات آن کشور دانسته و مدعی شده‌اند که بدون رضایت سرمایه‌گذاران امکان لغو یا ابطال آن وجود ندارد. استدلال دیوان‌های داوری سرمایه‌گذاری در دهه‌های اخیر، بر این مبنا استوار است که استاندارد رفتار منصفانه و عادلانه متضمن ثبات چارچوب قوانین و مقررات دولت میزبان هنگام سرمایه‌گذاری است، و هر گونه تضمینی که از ناحیه دولت میزبان به سرمایه‌گذار اختصاص یابد، اعم از آنکه در قالب قوانین و مقررات داخلی، اعطای مجوز بهره‌برداری، یا هر گونه رفتار و اقوال اظهارشده به نفع سرمایه‌گذار خارجی باشد، حقوق مکتسبه‌ای برای سرمایه‌گذار ایجاد می‌کند که قابل حمایت است (ICSID, 2010: para 99).

در پرونده پارکینگز به طرفیت لیتوانی ضمن اشاره به موضوع ثبات چارچوب قوانین و مقررات با استناد به انتظارات مشروع سرمایه‌گذاران، میان انتظارات قراردادی و انتظارات ناشی از معاهده تفاوت قائل شده است (ICSID, 2007: Paras 289-292).

در شهر ویلینوس قراردادی به اجرا درآمد که در آن سرمایه‌گذار متعهد شده بود که یک سیستم پارکینگی را بسازد تا از طریق آن بتوان ترافیک بخش قدیمی شهر را کنترل کرد. در مورد انتظارات مشروع سرمایه‌گذار در این پروژه، دیوان اعلام کرد:

«بدیهی است که نمی‌توان هر امیدی را به منزله یک انتظار در حقوق بین‌الملل به‌شمار آورد.

انتظار یک طرف قرارداد مبنی بر اجرای منظم تعهدات قراردادی توسط طرف دیگر قرارداد لزوماً انتظار قابل حمایت در حقوق بین‌الملل محسوب نمی‌شود. به عبارت دیگر، قراردادهای دربردارنده انتظارات ذاتی‌اند که این انتظارات انتظاراتی نیستند که در حقوق بین‌الملل مورد حمایت قرار بگیرند. در واقع، طرف قراردادی که انتظارات مشروعش به نحوی که در بندهای قرارداد پیش‌بینی شده انجام پذیرفته است، می‌تواند برای جبران خسارت خود به استناد نقض مفاد قرارداد به دادگاه‌های داخلی مراجعه کند» (ICSID, 2007: para 344).

نتایج بررسی پرونده‌های اشاره‌شده حاکی از آن است که در حقیقت، اجرا نکردن تعهدات قراردادی به‌خودی‌خود، شرایط استناد را به استانداردهای رفتار منصفانه و عادلانه فراهم نمی‌کند. به نظر می‌رسد این دیدگاه در تطابق با مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در حقوق بین‌الملل عمومی است (International Law Commission (ILC), Draft Article on Responsibility of states for internationally Wrongful Acts, with Commentaries, 2001: art 4 cmt para, 6, 2(2)).

به نظر می‌رسد، برای اینکه گفته شود که نقض معاهده‌ای رخ داده است، احراز عملی که ورای اختیارات حاکمیتی یک کشور^۲ (ICSID, 2003, para 51: 142) یا برهم‌زننده ناعادلانه و غیرقانونی یک معامله باشد (ICSID, 2004: para 115) یا نقض اساسی در اوضاع و احوال خاص باشد، ضروری است (ICSID, 2007: para 316).

در تأیید نظر یادشده، در پرونده گلمیس گلد به طرفیت ایالات متحده، دیوان داوری رسیدگی‌کننده اعلام داشت:

«صرف نقض قرارداد، مثلاً عدم پذیرش دعوا در دادگاه‌های داخلی یا تبعیض، در شرایط عادی ناقض ماده ۱۱۰۵ نفتا (رفتار منصفانه و عادلانه) نیست و به‌تنهایی انتظارات را اثبات نمی‌کند. در عوض، ماده ۱۱۰۵ نفتا نیازمند بررسی آن است که آیا یک دولت تعهد یا تضمین ویژه‌ای به سرمایه‌گذار داده است که از طریق آن بتواند انتظاراتش را ثابت کند» (UNCITRAL, 2009: para 620).

۱. در پارگراف آخر بند ۶ از تفسیر ماده ۴ پیش‌نویس مسئولیت کشورها در برابر اعمال متخلفانه بین‌المللی (نشست پنجاه‌وسوم ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل) آمده است که نقض یک قرارداد توسط یکی از دولت‌ها به‌خودی‌خود به معنای نقض حقوق بین‌الملل نیست. در واقع در پیش‌نویس مسئولیت کشورها در برابر اعمال متخلفانه بین‌المللی، میان رفتار کشورها در رابطه با اعمال حاکمیت و اعمال تصدی (عمل تجاری) در ایجاد مسئولیت بین‌المللی قائل به تفاوت است.

See: FV Garcia-Amador, ILC Special Rapporteur, International Responsibility: Fourth Report (1959) para 123, 2 YB Intl L Commn 30, UN Doc A/CN.4/119

«رویه دیپلماتیک و رویه قضایی بین‌المللی به‌طور سنتی این نظریه جزم‌اندیشانه را پذیرفته است که صرف اجرا نکردن تعهدات یک دولت در قالب یک قرارداد در مورد فرد خارجی لزوماً مسئولیت بین‌المللی ایجاد نخواهد کرد.»

2. Puissance Publique

در حقیقت زمانی می‌توان نقض انتظارات مشروع قراردادی را احراز کرد که به موجب یک شرط یا تعهد ویژه مندرج در قرارداد یا به استناد توافقات میان طرفین، دولت میزبان انتظارات سرمایه‌گذار را تضمین کرده باشد، در غیر این صورت، صرف نقض عادی قرارداد نقض انتظارات مشروع سرمایه‌گذار به موجب معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری قلمداد نمی‌شود.

۲.۴. اظهارات یکجانبه تعهدآور

سرمایه‌گذاران در داوری معاهدات سرمایه‌گذاری اغلب زمانی به مفهوم انتظارات مشروع استناد می‌کنند که دولت میزبان به آنها وعده‌های ویژه‌ای داده باشد و ناامیدی از آن وعده‌ها موجب شود تا سرمایه‌گذار متحمل خساراتی شود.

بسیار مهم است که بررسی شود چرا و تا چه حد یک قول، تضمین یا یک نامه تسهیل این قابلیت را دارد تا به منزله محرک انتظارات مشروع ارزیابی شود و اجرا نکردن کدام یک متضمن نقض رفتار عادلانه و منصفانه تلقی می‌شود.

هر اظهاری قابلیت ایجاد انتظارات مشروع را ندارد و نیازمند درجه خاصی از قطعیت حقوقی^۱ یا نبود تشکیک و ابهام در اظهارات برای حمایت از طریق انتظارات مشروع است.

یک قول یا اظهار نظر زمانی آثار حقوقی در پی دارد که براساس هدف معین و در قالب ساختار بدون ابهام اظهار شده باشد؛ یعنی یک قول یا اظهار باید سرمایه‌گذاری مشخصی را خطاب قرار داده باشد نه اینکه به طور کلی در یک جمله کلی کل دنیا را در برگیرد.

در پرونده صنایع سفید به طرفیت هند خواهان ادعا کرد که در زمان سفر یکی از مدیران اجرایی خواهان به هند، مقامات رسمی هند اظهاراتی را برای سرمایه‌گذاری او در هند بیان داشته‌اند؛ بر این اساس که اینجا برای سرمایه‌گذاری بسیار امن است و نظام حقوقی هند برای همه مقاصد و نیت‌ها همانند نظام حقوقی استرالیا است (UNCITRAL, 2011: para 5.2.6). دیوان اعلام کرد این نوع اظهارات شرط لازم برای تحقق انتظارات مشروع و قابلیت مورد حمایت قرار گرفتن از طریق استانداردهای رفتار منصفانه و عادلانه را ندارد (UNCITRAL, 2011: para 10.3.17).

علاوه بر این، قاضی والده در نظریه جداگانه خود در پرونده توندربرد، مفهوم کلی انتظارات مشروع را مورد پذیرش قرار می‌دهد و بیان می‌دارد که باید بپذیریم که انتظارات مشروع از طریق دسته‌ای از رفتارها مانند قول شفاهی یا غیررسمی به سادگی پذیرفتنی نیست، مگر آنکه تعهدی که از طرف دولت میزبان به سرمایه‌گذار خارجی ارائه شده است، دارای شرط غایت باشد (Walde, 2005: paras 27-30)؛ یعنی در قالبی با شرایط شکلی مناسب و از طریق

1. Legal Certainty

۲. اظهارات بیان شده از جانب مقامات دولتی جمهوری هند کاملاً مبهم و کلی بوده است و قابلیت استناد به انتظار مشروع را ندارد و نمی‌تواند مورد حمایت استانداردهای رفتار منصفانه و عادلانه قرار گیرد.

شخصیت‌های رسمی ارائه شده باشد تا بتوان از چنین اظهاراتی به‌منزله تکیه‌گاهی برای بهره‌مندی از انتظارات مشروع استفاده کرد.

در همین باره، برخی صاحب‌نظران معتقدند که انتظارات مشروع ممکن است به‌منزله نتیجه یک اظهارنظر خاص از ناحیه دولت میزبان خطاب به سرمایه‌گذار به‌وجود آید. به‌طور رایج، رفتاری که به انتظارات مشروع منجر می‌شود، به‌طور معمول در چارچوب یک اظهار کتبی یا شفاهی و دربردارنده تعهدی به نفع سرمایه‌گذار است. به‌علت تنوع اقدامات اداری دولتی این انتظارات می‌تواند براساس مجوزها، لیسانس‌ها و موافقت اصولی دولتی صادر و ایجاد شوند (Newcombe *et al.*, 2009: 280).

ضرورت انعطاف‌پذیری قوانین و مقررات: ابزار دولت‌ها برای اداره

مطلوب جامعه

یکی از مسائل بحث‌برانگیز در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری ایجاد تعادل میان سیاست‌گذاری‌های دولت میزبان برای حفظ منافع عمومی جامعه و حمایت از انتظارات مشروع سرمایه‌گذار خارجی در آن کشور است. هر دو موضوع از پرتنش‌ترین اختلافات سرمایه‌گذاران خارجی با دولت میزبان در عصر حاضر محسوب می‌شود، که راه‌حل آن نیازمند اندکی انعطاف‌پذیری در روابط موجود میان دولت — سرمایه‌گذار بر مبنای حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری است. ساده‌تر اینکه، سرمایه‌گذار خارجی به‌منزله شخصی که تجارت می‌کند، می‌خواهد همه قدم‌های لازم را برای سرمایه‌گذاری خود از قبل پیش‌بینی و تعیین کند و هر گونه تغییر ناخواسته قوانین از ناحیه دولت میزبان می‌تواند در برآورده نشدن انتظاراتش درباره برگشت سرمایه خود تأثیر داشته باشد. تغییرات پی‌درپی و اساسی در قوانین و مقررات ممکن است موجب کاهش عواید پیش‌بینی‌شده سرمایه‌گذار خارجی شود و انجام دادن سرمایه‌گذاری‌های بیشتر را در کشور میزبان متوقف کند. البته اختیار قانون‌گذاری زمامداران همیشه و در صورتی که مخالف حقوق بین‌الملل نباشد، به رسمیت شناخته می‌شود، یعنی دولت میزبان به‌طور کلی می‌تواند در چارچوب مرزهای کشورش قانون‌گذاری کند و در مقابل، سرمایه‌گذاران خارجی نیز چنین اختیاری ندارند که بتوانند این قوانین را تغییر دهند (Shaw, 2008: 649). این حق اساسی کشورها به تأیید سازمان‌های بین‌المللی و مراجع داوری بین‌المللی نیز رسیده است؛ برای مثال در پرونده پارک‌رینگس به طرفیت لیتوانی آمده است که: «این حق انکارناپذیر و مصون از تعرض هر حاکمیتی است که بتواند اختیارات قانون‌گذاری داشته باشد. یک دولت حق دارد قانون تصویب کند، اصلاح کند یا آن را نسخ کند» (ICSID, 2007: para 332).

از طرف دیگر، حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری همواره بر قابلیت پیش‌بینی قوانین و مقررات یک دولت برای افزایش سرمایه‌گذاری خارجی تأکید کرده است. در این باره در پرونده سوئز به طرفیت آرژانتین آمده است:

«نتایج منطقی و انتظارات مشروع دو عامل مهم‌اند که بر نظر افراد در انجام دادن سرمایه‌گذاری تأثیرگذارند و پس از آن نحوه رفتار سرمایه‌گذار است که سرمایه‌گذاری را هدایت و مدیریت می‌کند. مبنای نظری این رویکرد را می‌توان در کارهای دانشمند برجسته، ماکس وبر، مشاهده کرد. به نظر او یکی از مهم‌ترین اهداف قوانین، مشارکت در نظام اجتماعی‌ای است که به موجب آن زندگی اقتصادی قابل محاسبه باشد و به همین علت بیشتر سرمایه‌گذاری‌ها در اروپا اتفاق می‌افتد، زیرا حقوق اروپایی قابلیت محاسبه بالایی دارد» (ICSID, 2010: para 222).

مطابق با آنچه بیان شد، در واقع قانون خوب، قانونی است که هم سیاست داخلی دولت میزبان را در برقراری نظم در جامعه و ایجاد منافع رقابتی برای همه فراهم کند و هم در مورد سرمایه‌گذاری خارجی تا حدی انعطاف داشته باشد که سرمایه‌گذار بتواند مسیر سرمایه‌گذاری و بازگشت سرمایه خود را پیش‌بینی کند.

۱. اختیارات حاکمیتی و تغییر چارچوب قوانین و مقررات داخلی

ممکن است در هر زمان بحران اقتصادی، تحولات سیاسی، منافع و نظم عمومی جامعه به تغییر قوانین و مقررات یک کشور بینجامد و به تبع آن این امر در سرمایه‌گذاری خارجی تأثیر بگذارد. مشروعیت این اقدامات در اینجا بررسی می‌شود.

۱.۱. اثر تجمیعی اقدامات دولت میزبان

اگر دولت‌ها با بحران شدید اقتصادی و اجتماعی روبه‌رو شوند و چارچوب قوانین و مقررات کشور خود را برای برقراری نظم عمومی و مقابله با بحران پیش‌آمده تغییر دهند، این پدیده «اثر تجمیعی اقدامات دولت میزبان» خوانده می‌شود. آیا این اقدامات نقض انتظارات مشروع سرمایه‌گذاران محسوب می‌شود؟

برای پاسخ به این پرسش بحران شدید اقتصادی کشور آرژانتین که در اوایل قرن بیست‌ویکم میلادی موجب طرح دعای متعددی از جانب سرمایه‌گذاران خارجی علیه آن کشور به استناد معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری فیما بین شد، می‌تواند نمونه مناسبی برای بررسی این موضوع به‌شمار آید.

در سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۸ کشور آرژانتین دوران شکوفایی اقتصادی خود را طی می‌کرد؛

رشد تولید خالص داخلی آن کشور به حدود ۶ درصد رسیده بود؛ به همین علت، موجی از سرمایه‌گذاری‌های خارجی به سمت این کشور روانه شد. اما کم‌کم به علت سیاست‌های اشتباه دولتمردان رشد اقتصادی آن کشور تنزل یافت، تا حدی که صندوق بین‌المللی پول بدهی چشمگیری را در سال ۱۹۹۹ به دولت آرژانتین اعلام کرد. این موضوع موجب افزایش قیمت دلار در داخل آن کشور شد. برای خروج از این بحران و پرداخت دیون معوقه، دولت آرژانتین سیاست تغییر سبد اقتصادی خود از دلار، به دلار و یورو را اتخاذ کرد و هر گونه خروج دلار آمریکا را از کشور ممنوع اعلام کرد و در اواخر سال ۲۰۰۱ ذخایر ارزی بانک‌های این کشور به‌طور چشمگیری کاهش یافت. اوضاع و احوال اقتصادی آن کشور در آن برهه زمانی به‌حدی وخیم شده بود که موجب مرگ‌ومیر ده‌ها نفر و تغییر کابینه دولت و رئیس‌جمهور آن کشور به‌طور پی‌درپی شد.

بحران اقتصادی آن سال‌ها تورم نزدیک به ۴۰ درصدی را تا پایان سال ۲۰۰۲ رقم زد. همچنین سهام شرکت‌های آن کشور تا ۶۰ درصد سقوط کرد و میزان بیکاری تا ۲۰ درصد افزایش یافت. ۵۰ درصد جمعیت روستایی آن کشور به زیر خط فقر رسیدند. در این زمان آرژانتین برای عبور از این بحران تغییرات اساسی‌ای را در قوانین و مقررات مرتبط با نظام اقتصادی خود انجام داد. همین موضوع موجب شد که دعاوی متعددی در آن سال‌ها به طرفیت دولت آرژانتین مطرح شود. از جمله مهم‌ترین آنها پرونده‌های ال پاسو، ال جی و ایی و تلفات قاره‌ای، زیمنس، آزوریکس، توتال و ... بود.

در یکی از مهم‌ترین پرونده‌های رسیدگی شده به طرفیت آرژانتین، یعنی پرونده ال پاسو، دیوان معتقد بود در نظر گرفتن انتظار مشروع بدان‌صورت که چارچوب قوانین و مقررات بدون تغییر باقی بماند، در زمان مواجهه با بحران شدید اقتصادی قابل تصور نیست. هیچ سرمایه‌گذار متعارفی چنین انتظاری ندارد، مگر آنکه تعهد ویژه‌ای در این خصوص وجود داشته باشد یا تغییر چارچوب قوانین و مقررات به‌طور کامل صورت گرفته باشد (ICSID, 2011: para 374).

از نظر این دیوان این موضوع امری انکارناپذیر است که اقدامات اثر تجمیعی به تغییر کامل نظام حقوقی در نظر گرفته‌شده برای سرمایه‌گذار منجر شده است، و همه عوامل مختلف و تضامینی که اشاره شد، می‌تواند به‌منزله تعهد ویژه دولت آرژانتین مبنی بر اینکه چنین تغییر کاملی انجام نخواهد شد، به‌شمار آید.

پرونده ال جی و ایی نیز از دیگر اختلافاتی است که به‌علت نقض معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری به طرفیت آرژانتین مطرح شد. یکی از تفاوت‌های عمده این پرونده با دیگر پرونده‌های مطروحه در این زمینه، توجه به دفاع آرژانتین با استناد به قاعده حالت ضرورت^۱ برای توجیه اقدام آن کشور در تغییر چارچوب قوانین و مقررات برای عبور از بحران است. در نظر این

1. Necessity

دیوان «زمانی که پایه اقتصادی یک کشور تحت محاصره قرار گیرد، شدت مسئله معادل تهاجم نظامی است» (ICSID, 2007: para 238).

دولت آرژانتین برای جذب سرمایه‌گذاری شرکت آمریکایی ال جی نظام مالی ویژه‌ای را که منافع چشمگیری برای آن شرکت در پی داشت، در نظر گرفته بود. یکی از این موارد پرداخت تعرفه‌ها به دلار آمریکا به جای واحد پول آرژانتین بوده است که در نتیجه این اقدام درآمد آن شرکت به خوبی تمامی هزینه‌ها را پوشش داده و نرخ بازگشت سرمایه را به طور معقولی افزایش می‌داد. بعد از روبه‌رو شدن آرژانتین با بحران اقتصادی، نظام مالی پیش‌بینی شده آن کشور تغییرات بسیاری یافت، که در نتیجه تمامی امتیازهای قبلی داده شده به سرمایه‌گذار لغو شد. (ICSID, 2007: paras 16-20; 47-49)

سرمایه‌گذار به استناد معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری آمریکا - آرژانتین مدعی نقض حقوق اعطایی به خود به علت نادیده گرفتن استاندارد رفتار منصفانه و عادلانه شد. آرژانتین منکر این موضوع شد و اقدامات خود را به علت حالت ضرورت پیش‌آمده دانست که در نتیجه آن معاف از مسئولیت بوده است و ناقض معاهده محسوب نمی‌شود. این دیوان اولین دیوانی بود که استناد به حالت ضرورت را با توجه به آنچه در ماده XI از معاهده دوجانبه فیما بین تصریح شده بود، مورد پذیرش خود قرار داد^۱ (ICSID, 2007: para 82-86).

به طور معمول به چنین بندی زمانی استناد می‌شد که جنگ یا تهدید به جنگ کشوری را در برگیرد^۲، اما در این پرونده دیوان محاصره و بحران شدید اقتصادی را نیز معادل حالت جنگ یا تهدید به جنگ در نظر گرفته و برای کشور آرژانتین معافیت‌هایی را به رسمیت شناخته است که از جمله آنها تصویب قوانین و مقررات مربوط با توجه به آن وضعیت اضطراری است. (ICSID, 2007: para 2-3)

اما در نظر این دیوان معافیت از انجام دادن تعهدات معاهدات باید در ابتدا برای منافع عمومی جامعه باشد و شرط ثانویه مهم آن موقتی بودن اقدام دولت است. بنابراین استناد به حالت ضرورت برای مدتی طولانی‌تر از بروز بحران (تا زمان کنونی) ادامه نخواهد داشت. این دیوان معتقد بود با انتخاب رئیس‌جمهور کریشنر بحران شدید اقتصادی آرژانتین به پایان رسیده و حالت ضرورت مورد استناد از اول دسامبر ۲۰۰۱ تا ۲۶ آوریل ۲۰۰۳ بوده است و پس از آن مسئولیت نقض معاهده دوجانبه بر عهده کشور آرژانتین است (ICSID, 2007: para 2-3).

۱. در ماده XI معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری ایالات متحده آمریکا و آرژانتین آمده است:

«این معاهده مانع اعمال اقدامات ضروری برای حفظ نظم عمومی توسط هریک از طرفین به منظور انجام تعهداتشان

که مرتبط با حفظ و بازگرداندن صلح بین‌المللی یا امنیت یا صیانت از منافع امنیتی ضروری هستند، نیست.»

۲. ضرورت به عنوان یکی از شرایط رافع وصف متخلفانه فعل مغایر با تعهد بین‌المللی دولت جهت حفظ منافع حیاتی

کشور و جلوگیری از خطر قریب‌الوقوع، در ماده ۲۵ پیش‌نویس مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها تعریف شده است.

۱.۲. منافع و نظم عمومی جامعه

اگر معتقد باشیم که به منظور حفظ منافع عمومی و نظم عمومی جامعه نباید هیچ مانعی در راه اعمال اختیارات انتظامی دولت میزبان وجود داشته باشد، بنابراین حتی انتظارات مشروع سرمایه‌گذاران نیز تضمینی نخواهد داشت.

در حال حاضر، دولت‌ها از تصویب قوانین حمایتی برای سرمایه‌گذاران در زمینه‌هایی که آن خدمات یا کالاها یا به طور کلی، اقدام سرمایه‌گذاران برای محیط زیست زیانبار باشد یا خطر جدی برای بهداشت عمومی شهروندان محسوب شود یا ناقض حقوق بشر باشد، اجتناب می‌کنند. توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد و سازمان‌هایی که در زمینه محیط زیست، بهداشت عمومی و حقوق افراد فعالیت می‌کنند، موجب شده است سرمایه‌گذاری مانند گذشته به آسانی محقق نشود. تصویب مقرره‌های حمایتی در این باره چه پیش از زمان سرمایه‌گذاری و چه در خلال آن، به خصوص در کشورهای توسعه‌یافته مانع جدی بسیاری از سرمایه‌گذاری‌ها محسوب می‌شود.

تصویب این نوع مقرره‌های حمایتی در زمان سرمایه‌گذاری موجب ناخشنودی صاحبان سرمایه می‌شود و سرمایه‌گذاران به نقض انتظارات مشروع خود معتقدند. دولت‌های میزبان نیز در این وضعیت بر سر دوراهی قرار می‌گیرند که از منافع عمومی جامعه، مثل بهداشت عمومی حمایت کنند یا به موجب معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری به تعهدات خود پایبند باشند.

دیوان‌های رسیدگی‌کننده با بیان اینکه دخالت برای حمایت از منافع عمومی از مصادیق اعمال سیاست‌های نظم عمومی محسوب می‌شود، حکم به رجحان این دسته قوانین محدودکننده بر حقوق حمایتی سرمایه‌گذاران صادر می‌کنند.

داوران رسیدگی‌کننده در پرونده چمتورا به طرفیت کانادا معتقدند اگر دولتی به علت حمایت از منافع عمومی به مصادره قانونی و بدون جبران خسارت برای حفظ نظم عمومی بپردازد، این اقدام دولت قانونی تلقی می‌شود (ICSID, 2010: para 266).

شرکت آمریکایی چمتورا دعوای خود را به طرفیت کانادا براساس معاهده تجاری نفتا در داوری موردی مطرح کرد. موضوع از این قرار بود که آیا دولت کانادا به علت تصویب قانون ممنوعیت استفاده از ماده شیمیایی زراعی لینداین^۱ باید به شرکت تولیدکننده آن خسارت پرداخت کند یا خیر. آژانس تنظیم مقررات آفت زیستی کانادا با توجه به تأثیرات زیانبار این ماده شیمیایی بر سلامت و محیط زیست هر گونه تولید، فروش و استفاده از این محصول را در سراسر کشور کانادا ممنوع کرد. این دیوان اعلام داشت که اقدام صورت گرفته توسط کانادا در آن اندازه‌ای نیست که موجب محرومیت اساسی شرکت چمتورا شود (UNCITRAL, 2010: para 265).

۱. یک حشره‌کش آلی کلرنگ مصنوعی که در حال حاضر استفاده از آن به علت سمی بودن و پایداری در محیط زیست ممنوع است.

2. Canada's Pest Management Regulatory Agency

همچنین، این دیوان اعلام کرد که این دیوان به همه رویدادها در مورد اقدام مشروع خواننده دعوا که مطابق با نظم عمومی داخلی صورت پذیرفته و در خواسته خواهان تأثیر دارد، توجه خواهد کرد. دولت کانادا دست به اقدامات اجباری‌ای زده است که این اقدامات در چارچوب رفتار بدون تبعیض و به‌علت افزایش آگاهی‌ها درباره خطرات حشره‌کش آرگانوکلره مصنوعی برای سلامتی بشر و محیط زیست است. این اقدام خواننده به لحاظ چنین اوضاع و احوالی مورد پذیرش واقع شد و اقدام مشروع دولت در چارچوب نظم عمومی داخلی شناخته شد و در نتیجه، واجد شرایط سلب مالکیت غیرقانونی نیست (UNCITRAL: 2010, para 266).

براساس مشاهدات شرکت‌های چندملیتی در زمانی که گروه‌های حامی محیط زیست جهانی خواهان دخالت‌های گسترده دولت‌ها در مورد حقوق و امکانات اولیه زندگی‌اند، اصراری به طرح دعوا ندارند.^۱

۲. شرایط تغییر چارچوب قوانین و مقررات داخلی توسط دولت میزبان

هرچند در پاره‌ای موارد دولت‌ها به‌علت تغییر وضعیت سیاسی و اجتماعی کشور می‌توانند بدون نقض انتظار مشروع سرمایه‌گذاران، برای برقراری نظم عمومی جامعه قوانین و مقررات داخلی را تغییر دهند، این تغییرات تابع شرایطی است که دیوان‌های داوری به موجب آن انگیزه سوء دولت میزبان را احراز نکنند. از جمله این موارد نداشتن رفتار سیاسی و نداشتن تبعیض در اعمال تغییرات توسط دولت میزبان است که در اینجا بررسی می‌شود.

۲.۱. نداشتن رفتار سیاسی

دیوان‌های داوری نقض اصل انتظارات مشروع را معمولاً در زمانی که رفتار دولت میزبان با انگیزه‌های سیاسی رخ داده است نیز احراز کرده‌اند، بدان معنا که زمانی که عمل دولت بر مبنای ملاحظات نظم عمومی نبوده، اما با نیت عناد با سرمایه‌گذاری یا سرمایه‌گذار باشد، نقض انتظارات مشروع رخ داده است.

۱. مواردی مانند تأمین آب مصرفی برای مردم، طبیعت و عوامل زیست‌محیطی در آرای صادره اخیر به‌طور گسترده مورد توجه قرار گرفته است و این شامل قضایای مربوط به موارد زیر می‌شود: منابع طبیعی (Santa v. Costa Rica, 2000)؛ حقوق آب (Vattenfall v. Bayview Irrigation District v. Mexico, 2007)؛ حقوق حاکم بر سرزمین مردمان بومی (Burlington Resources v. Ecuador, 2012; Grand River)؛ حقوق حاکم بر سرزمین مردمان بومی (Enterprises Six Nations Ltd v. United States, 2011; Glamis Gold Ltd v. United States, 2009)؛ مواد سرطان‌زای آلوده‌کننده هوا (Ethyl Corporation v. The Government of Canada, 1998; Methanex v. United States, 2005)؛ حشره‌کش‌ها (Chemtura Corp v. Canada, 2010)؛ توان هسته‌ای (Vattenfall v. Germany, 2010)؛ حمایت از حیات وحش (Marion Unglaube v. Republic of Costa Rica, 2012)؛ و دفع زباله (Tecmed v. Mexico, 2003).

در پرونده آزریک به طرفیت آرژانتین، که براساس معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری ایالات متحده و آرژانتین شکل گرفته بود، مدعی امتیاز اجرای شبکه توزیع آب را در بوینوس آیرس دریافت کرد. مشکل به‌علت دستور دولت به عدم پرداخت صورت‌حساب‌های ناشی از مصرف آب توسط شهروندان به سرمایه‌گذار بود (ICSID, 2006: para 3).

در اقدامی غیرقانونی مقامات دولت فدرال با سوءاستفاده از اختیارات قانونی به‌علت وجود نوعی جلبک شکوفه‌ای ناخوشایند که در ظاهر و طعم آب مشاهده می‌شد، سرمایه‌گذار خارجی را شماتت کرده و به مصرف‌کنندگان اصرار کردند تا از پرداخت صورت‌حساب خود خودداری ورزند (ICSID, 2006: para 374).

بر این اساس، دیوان در نظر گرفت که خاتمه امتیاز می‌توانست براساس درخواست مشروع ناشی از توافقنامه مشترک صورت بگیرد، اما مقامات استانی بر خاتمه امتیاز براساس ترک امتیاز از ناحیه سرمایه‌گذار اصرار داشتند. با توجه به اینکه خودداری از انجام این درخواست مشروع و این حقیقت که آرژانتین اجازه افزایش تعرفه را داده و جلبک‌ها نیز براساس یک امر تصادفی پیدا شده است، دیوان به این نتیجه رسید که استاندارد رفتار عادلانه و منصفانه نقض شده است (ICSID, 2006: para 375). دیوان همچنین بیان داشت که اصرار دولت مبنی بر پرداخت نکردن صورت‌حساب آب توسط مشترکان یک عمل با انگیزه‌های سیاسی محسوب می‌شود (ICSID, 2006: para 92).

همان‌گونه که گذشت، نقض اصل انتظارات مشروع در پاره‌ای از پرونده‌هایی که دربرگیرنده رفتار تحریک‌آمیز در مورد سرمایه‌گذاری یا سرمایه‌گذار است، از نظر دیوان‌ها قابل قبول نیست. به‌طور کلی، اقدامات خارج از نظم سیاسی قانونی، از منظر استانداردهای قاعده رفتار منصفانه و عادلانه، همچون انتظار مشروع سرمایه‌گذاران، نمی‌تواند موجد حق تلقی شود.

۲.۲. عدم تبعیض

انتظارات مشروع سرمایه‌گذاران با اصل عدم تبعیض پیوند عمیقی دارد. بسیاری از معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری در خود از هر دو این موازین نام برده‌اند. در سال ۱۹۶۷ سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه^۱ پیش‌نویس کنوانسیون حمایت از اموال خارجی را تنظیم کرد که در آن رفتار برابر متضمن تعهد به عدم تبعیض است (Vandevelde, 2010: 201).

در پرونده سالوکا به طرفیت جمهوری چک که براساس معاهده دوجانبه چک و هلند تشکیل شده بود، چهار بانک اصلی در جمهوری چک در حال سپری کردن خصوصی‌سازی بودند. دولت چک برای سه بانک از چهار بانک تسهیلاتی را فراهم کرد، اما برای بانکی که مدعی در آن سرمایه‌گذاری کرده بود، چنین شرایطی قائل نشد. دیوان مبنای مشروعی برای

این تبعیض پیدا نکرد، بنابراین معتقد شد که انتظار مشروع سرمایه‌گذار نقض شده است (UNCITRAL, 2006: paras, 1-3).

در پرونده لوون به طرفیت ایالات متحده آمریکا، پرونده‌ای که تحت نفتا شکل گرفت، یک شرکت آمریکایی یک سرمایه‌گذار کانادایی را طرف دعوا در دادگاه می‌سی‌سی‌پی قرار داد. در دادرسی انجام گرفته در دادگاه داخلی آمریکا در جای‌جای رسیدگی به تابعیت کانادایی طرف دعوا اشاره شد و در نهایت هیأت ژوری حکم به قرار تأمین خسارت احتمالی به مبلغ پانصد هزار دلار علیه سرمایه‌گذار صادر کرد (ICSID, 2003: para 42).

دیوان ملاحظه کرد که به موجب ماده ۱۱۰۵ نفتا، ایالات متحده وظیفه دارد دادرسی رایگان برای طرفین معاهده فراهم کند (ICSID: 2003, para 123)؛ یعنی اینکه دادگاه داخلی آمریکا اصل عدم تبعیض را به رسمیت نشناخت. علاوه بر این، دیوان متوجه شد که دادرسی در دادگاه داخلی آمریکا ناعادلانه بوده و حداقل استانداردهای حقوق بین‌الملل و رفتار منصفانه و عادلانه رعایت نشده است (ICSID, 2003: para 137). دیوان حکم کرد که در مجموع معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری از سرمایه‌گذار و سرمایه خارجی در مقابل رفتارهای غلط نظام قضایی حمایت می‌کند (ICSID, 2003: para 154).

در پرتو بررسی قضایای مذکور، می‌توان نتیجه گرفت که رفتار تبعیض‌آمیز، از عوامل نقض استاندارد رفتار منصفانه و عادلانه محسوب می‌شود، مگر آنکه رفتار تبعیض‌آمیز دولت از منظر حقوق بین‌الملل توجیه‌پذیر باشد. برای مثال در صورت عدم اعمال تبعیض منافع اساسی یک کشور به خطر بیفتد.

۳.۲. میزان توسعه‌یافتگی دولت‌ها و تأثیر آن در ثبات قوانین و مقررات داخلی

انتظارات مشروع سرمایه‌گذاران از دولت میزبان با توجه به ویژگی‌های خاص محیط سرمایه‌گذاری در کشور میزبان متفاوت است. به عبارت دیگر، آنچه سرمایه‌گذار می‌تواند معقولانه انتظار داشته باشد (به خصوص با توجه به قیود ثبات و شفافیت قوانین و مقررات دولت میزبان)، در کشورهای با میزان توسعه‌یافتگی بسیار بالا با کشورهای در حال توسعه یا اقتصادهای در حال ظهور متفاوت است. در تأیید این گفته به توافقنامه بازار مشترک آفریقایی جنوبی و شرقی^۱ اشاره می‌شود که در متن آن آمده است:

«عنصر انعطاف‌پذیری در تفسیر استانداردهای رفتار عادلانه و منصفانه بر مبنای میزان توسعه‌یافتگی کشورها وجود دارد» (Investment Area, 2007: art 14(3)).

1. Agreement for the Common Market for Eastern and Southern Africa

حتی در صورت صراحت نداشتن چنین بندی در یک توافقنامه یا معاهده، دیوان‌های بین‌المللی سرمایه‌گذاری برای یافتن شرایط مشروع نشان دادن انتظار سرمایه‌گذار، همه‌اوضاع و احوالی را که در آن سرمایه‌گذاری صورت پذیرفته است (مثل میزان توسعه‌یافتگی کشور میزبان)، در نظر می‌گیرند.

دیوان در پرونده انرژی دوک به طرفیت اکوادور رویکرد جامعی را برای ارزیابی انتظارات مشروع در پیش گرفت:

«ارزیابی معقولیت یا مشروعیت انتظارات مشروع سرمایه‌گذاران باید با توجه به همه‌اوضاع و احوال در نظر گرفته شود که نه تنها شامل وقایعی است که سرمایه‌گذاری را احاطه کرده است، بلکه وضعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تاریخی حاکم بر کشور میزبان را نیز در برمی‌گیرد» (ICSID, 2006: para 340).

در پرونده بایندر به طرفیت پاکستان نیز دیوان رسیدگی‌کننده در رأی صادره خود مطالب مفید دیگری را درباره‌ی توجه به اوضاع و احوال و شناسایی انتظارات مشروع بیان می‌دارد. در آنجا آمده است که:

«سرمایه‌گذار در واقع با اطلاع کامل از فضای تأثیرگذار نوسانات سیاسی موجود در کشور میزبان سرمایه‌گذاری کرده است، بنابراین خواهان توقع نداشته باشد که با انتظار مشروع گسترده مبنی بر ثبات و پیش‌بینی‌پذیر بودن مواجه باشد و از این راه تقاضای حمایت خود را از استانداردهای رفتار عادلانه و منصفانه توجیه کند» (ICSID, 2009: paras 194-5).

در پرونده توتو به طرفیت لبنان مطابق نظر دیوان اوضاع و احوال پس از جنگ در لبنان با توجه به چالش‌های شایان توجه اقتصادی و نیاز به تلاش برای بازسازی‌های عظیم، با در نظر گرفتن مشکلاتی که بسیاری از اقدامات عرفی بدون تغییر باقی بماند، انتظارات مشروع سرمایه‌گذار را توجیه نمی‌کند (ICSID, 2012: para 245). البته باید توجه کرد که در بیش‌تراوقات، سرمایه‌گذاران ترجیح می‌دهند که در کشورهای در حال توسعه سرمایه‌گذاری کنند، چراکه نرخ بازپرداخت سود در سرمایه‌گذاری انجام گرفته به مراتب بالاتر از سرمایه‌گذاری انجام گرفته در کشورهای با اقتصاد توسعه‌یافته است (ICSID, 2009: para 2, 37). با وجود این، بی‌ثباتی بخشی از ریسک اقتصادی فرض می‌شود و در زمان احراز شرایط انتظارات مشروع این عامل نیز مورد توجه ویژه قرار می‌گیرد (ICSID, 2007: para 50).^۱

1. See also: LG & E Capital Crop and LG&E International Inc v Argentine Republic, 2007, para 50. در اینجا اشاره شده است که انتظارات غلط سرمایه‌گذار موجب قصور در توجه به معیارهایی همچون ریسک اقتصادی یا الگوهای اقتصادی دولت میزبان نخواهد شد. همچنین ر.ک: Emilio Agustín Maffezini v. The Kingdom of Spain, ICSID Case No. ARB/97/7, Award of 2000, para 64; CMS Gas Transmission Company v The Argentine Republic, ICSID, Case No. ARB/01/8, Award of May 12 2005, para 29; Waste Management v United States, ICSID Case No ARB (AF)/00/3, Award of April 2004, para 114 MTD Chile SA v. Republic of Chile, ICSID Case NO. ARB/01/7, Award of May

در پرونده پارکینگس به طرفیت لیتوانی، دیوان به‌صراحت اعلام کرد در وضعیتی که کشوری شرایط گذار اقتصادی را سپری می‌کند، انتظارات مشروع با توقع ثبات در محیط سرمایه‌گذاری امری توجیه‌پذیر نخواهد بود. هرچند به‌نظر می‌رسد، برای تاجر حرفه‌ای در چنین وضعیتی عاقلانه خواهد بود که خواهان درج شرط ثبات در قرارداد خود باشد و انتظار مشروع خود را از این طریق پیگیری کند (ICSID, 2007: para 335-336).

نتیجه‌گیری

ثبات نظام حقوقی و تجاری با انتظارات مشروع سرمایه‌گذاران ارتباط مستقیم و عمیقی دارد. از آنجا که انتظارات مشروع از عناصر غالب استاندارد رفتار عادلانه و منصفانه محسوب می‌شود، عاقلانه خواهد بود که انتظارات سرمایه‌گذارانی که در زمان سرمایه‌گذاری معقول و منطقی‌اند، مورد حمایت قرار گیرد که البته برای ارزیابی معقولیت و مشروعیت باید همه‌اوضاع و احوال مدنظر قرار گیرد که هم شامل حقایقی در خصوص سرمایه‌گذار باشد و هم وضعیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی حاکم بر دولت میزبان در نظر گرفته شود. علاوه بر این، چنین انتظاراتی باید تابع شرایطی که دولت میزبان برای سرمایه‌گذاری پیشنهاد کرده و سرمایه‌گذار بر مبنای آن شرایط تصمیم به سرمایه‌گذاری گرفته است، باشد.

در این زمینه، دیوان‌های داوری سرمایه‌گذاری، به‌نحوی که بررسی شد، بر ایجاد تعادل میان انتظارات مشروع سرمایه‌گذاران و اختیار دولت میزبان در تغییر چارچوب قوانین و مقررات کشور خود تأکید کرده‌اند. ایجاد این تعادل بدین معناست که اگر به‌دلیل ملاحظات ناشی از نظم عمومی یا عوامل دیگر، تغییراتی در قوانین و مقررات دولت میزبان لازم باشد، این ملاحظات، در زمان بررسی انتظارات مشروع سرمایه‌گذاران مورد توجه دیوان قرار گرفته و تمایز آن با اعمال خودسرانه دولت میزبان یا سوء استفاده از اختیارات حاکمیتی مشخص شده است. اما در پاسخ به اینکه تا چه اندازه انتظارات مشروع بر ثبات قوانین دولت میزبان تأثیر می‌گذارد، شایان توضیح است که مطابق نظر دیوان‌های داوری سرمایه‌گذاری در صورت احراز هر یک از عناصر ذیل می‌توان حکم به نقض انتظارات مشروع سرمایه‌گذاران در پرتو استاندارد رفتار منصفانه و عادلانه داد:

۱. وجود تضمین خاص یا قول ویژه مبنی بر ثبات قوانین از ناحیه دولت میزبان یا هر یک از نهادهای ذی‌صلاح قابل انتساب به دولت که سرمایه‌گذار خارجی با اتکا به آن، تصمیم به سرمایه‌گذاری گرفته باشد.
۲. وجود مقرره‌هایی که به‌طور خودسرانه و تبعیض‌آمیز در مورد سرمایه‌گذاران خارجی اعمال شود.

۳. تغییر اساسی چارچوب قوانین و مقررات در زمینه کاری سرمایه‌گذار خارجی که منافع سرمایه‌گذار در گرو آن بوده است.
انتظارات مشروع سرمایه‌گذاران توسط دیوان‌های داوری دولت — سرمایه‌گذار به‌نحوی تفسیر می‌شود که به دولت میزبان، تعهد کلی مبنی بر داشتن قانون یکنواخت و ثابت تحمیل نمی‌شود و دولت میزبان صلاحیت دارد که چارچوب قوانین و مقررات خود را در طول زمان تغییر دهد، مگر آنکه دولت میزبان تعهد کرده باشد که به شیوه مشخصی رفتار کند؛ در چنین وضعیتی می‌توان انتظار سرمایه‌گذار را مشروع دانست و از آن حمایت کرد.

منابع

۱. فارسی

الف) مقاله

۱. سیفی، سید جمال (۱۳۹۳)، تفسیر معاهده در زمان وقاعدۀ حقوق میان‌دوره‌ای جامعۀ بین‌المللی و حقوق بین‌الملل در قرن ۲۱، تهران: شهر دانش.

۲. انگلیسی

A) Books

1. Dolzer, Rudolf & Schreuer, Christoph (2012), *Principle of International Investment Law*, Oxford, Oxford University Press.
2. Campbell McLachlan, Laurence Shore, Matthew Weiniger, (2017), *International Investment Arbitration, Substantive Principles*, 2th Edition, Oxford, Oxford University Press.
3. Newcombe. A., paradell, L., (2009), *Law and Practice of Investment Treaties: Standard of Treatment*, Den Rijen, Kluwer Law International
4. Shaw, Malcolm (2008), *International Law*, 6th. Ed., Cambridge, Cambridge University Press.
5. Vandeveld, Kenneth J., (2010), *Bilateral Investment Treaties: History, Policy and International*, Oxford, Oxford University Press.

B) Articles

6. Barrett, Gadvin (2001), "Protecting Legitimate Expectations in European Community Law and Domestic Irish Law", *Yearbook of European Law*, Oxford, Oxford University Press, Vol. 20, Issue 1, pp. 191-243.
7. Seifi, S Jamal, (2014), *Interpretation of Treaty in the Course of time & Inter-temporal Law Principle*, Tehran, International Community & International Law in the 21st Century, The SD Institute of Law Research & Study, The House of

Humanities Thinkers, 131-141 (In Persian).

8. Vandeveld, A., (2005), "Brief History of International Investment Agreements", *Davis Journal of International and Law Policy*, Vol. 12, No. 1, pp. 157-196.

C) Cases

9. Amoco International Finance Corporations v. The Government of Islamic Republic of Iran, et al., Partial Award No. 310-56-3, 14 July 1987, Reprinted in 15 Iran-US CTR.
10. Azurix Corp v. the Argentine Republic, ICSID, Case No. ARB/01/12, Annulment Award of July 14 2006.
11. Bayandir Insaat Turizm Ticaret Ve Sanayi AS v Islamic Republic of Pakistan, ICSID Case No ARB/03/29, Award of 2009.
12. Bayview Irrigation District v. Mexico, ICSID, Case No. ARB (AF)/05/1 Award of 2007.
13. BG Group Plc v Republic of Argentina, Award UNCITRAL Tribunal 24 December 2007.
14. Burlington Resources, Inc v. Republic of Ecuador, ICSID Case No ARB/08/5, Decision on Jurisdiction, 2010.
15. Chemtura Corporation v. Government of Canada, UNCITRAL (Formerly Crompton Corporation v. Government of Canada), Award of 2010.
16. CMS Gas Transmission Company v The Argentine Republic, ICSID, Case No. ARB/01/8, Award of May 12 2005.
17. Compania Del Desarrollo de Santa Elena S.A v Republic of costa Rica, ICSID Case No ARB/96/1, Award of February 17 2000.
18. Consortium RFCC v Kingdom of Morocco, ICSID Case No ARB/00/6, Award of 2003.
19. Duke Energy Electroquil Partner and Electroquil SA v Republic of Ecuador, ICSID Case No ARB/04/19, Award of 2008.
20. EDF v. Romania, ICSID Case No. ARB/05/13, Award of 8 October 2009.
21. Enron Creditors Recovery Corporation (Formerly Enron Corporation) and Ponderosa Assets, ICSID Case No. ARB/01/3, Award of 22 May 2007.
22. Ethyl Corporation v. The Government of Canada, UNCITRAL, Award on Jurisdiction 1998.
23. Eureka BV Republic of Poland, Ad Hoc Tribunal,
24. Partial Award of 19 Aug 2005.
25. Generation Ukraine, Inc v Ukraine, ICSID Case No ARB/00/9, Award of 2009.
26. Glamis Gold Ltd v. United States, UNCITRAL, Award of June 8 2009.
27. Grand River Enterprises Six Nations Ltd v. United States, UNCITRAL, Award of 2011.
28. Impregilo SpA v Argentina Republic, ICSID Case No ARB/07/17, Award of 2011.
29. International Thunderbird v United Mexican States NAFTA/UNCITRAL, Award of 26 January 2006, Separate Opinion of Thomas Walde.
30. LG &E Capital Crop and LG&E International Inc v Argentine Republic, Case

- No. ARB/02/1 Decision on Liability 2006.
31. LG &E Capital Crop and LG&E International Inc v Argentine Republic, Case No. ARB/02/1 Award of 2007.
 32. Loewen Group, Inc. v. United States, ICSID Case No. ARB (AF)/98/3, Award of 2003.
 33. El Paso Energy International Company v Argentina, ICSID Case No. ARB/03/15, Award of 31 October 2011.
 34. Marion Unglaube v. Republic of Costa Rica, ICSID Case No. ARB/08/1 Award of 2012
 35. Methanex v United States of America, (NAFTA/UNCITRAL) Final Award of August 3 2005.
 36. Occidental Exploration and Production Company v Ecuador, Final Award of 1 July 2004.
 37. Parkerings-Compagniet AS v. Republic of Lithuania, ICSID Case No. ARB/05/08, Award of September 11 2007.
 38. Ronald S. Lauder v. Czech Republic, UNCITRAL, Award of 2001.
 39. Saluka v Czech Republic, UNCITRAL, Partial Award, 17th Mar, 2006.
 40. Suez and Vivendi v. Argentina, ICSID Case No. ARB/03/19, Decision on Liability of 30 July 2010.
 41. Tecnicas Medioambientales Tecmed, SA v United States, ICSID, Case No. ARB (AF)/00/2, Award of May 29 2003.
 42. Toto Costruzioni Generali S.p.A. v. The Republic of Lebanon, ICSID Case No. ARB/07/12. Award of 2012.
 43. Waste Management v United States, ICSID Case No ARB (AF)/00/3, Award of April 2004.
 44. Vattenfall v. Germantny, ICSID, Case NO.ARB/09/6 Award of 2010.
 45. White Industries Australia Limited v The Republic of India, UNCITRAL, Final Award of 2011.